

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من میباد
بدین بوم ویر زنده یک تن میباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناهید "غزل" غنی زاده
ویرجنیا - ۱۴ جولای ۲۰۱۴

دریچه ای به سوی آزادی

محبت و انس با درختان چون جریان گرم خون در رگهای وجودم، عبور میکند. تصویر شکسته قلبم ترسیم ماندگاری ست، که برگ و ریشه و ساقه درختان شرح و بیان آن را به دوش میکشند.

درختان را میپرستم و با سلولهای خشکیده پوستشان افسانه ها و رازها دارم. اسرار پنهانی دل دلتنگم را که درد روانگاه و فراموش ناشدنی ست، با سلولهای کهن درختان قسمت میکنم.

روزگاری ست افکارم در جدال با آدمهائی ست، که اختران نوربخش آرامش را از بستر سپهر دلم ربوده اند و مرا در جنگل سیاه شب با بیم و هراس واگذاشته اند. آه خداوندا!

با درختان چه عادت و الفت هست؟

با درختان چه وصلتی دارم که انکار ناکردنی ست؟

در امتداد لحظه های غصه بار هستی سایه های شکوهمند و راحتزای درختان پناهم میدهند و همه ناگفته های دلم را صبورانه میثنونند.

درختان ذخیره گاه پراعتقاد اشکهای من اند، که عمری ست با سرشکم سیراب گشته اند. درختان عبور نفس در سلولهای جسم افسرده ام اند، که تا درین دنیا قسمتی دارم جلوه اشتیاق زیستنم خواهند بود.

درختان آزادی من اند، بال نیرومند برای پرواز افکار پراکنده من و توازن شایستگی در
فطرتم.

کاش میشد باوری داشتم، که لمس دستانم آسودگی جاودانه را از هر شاخه پُراز میچیند.
من از سرزمین عشق کوله بار سفر بر بسته ام و ناباوری را توشه راه، برگزیده. آنجا از
خار حادثه زخم برداشتم و زهر حسرت و درد نوشیدم.

ولی روزگاری ست که پذیرفته ام محبت در بازار زندگانی رنگ باخته است و بها و پایه.
من در استوانه های غرورآفرین و مستحکم و باورمند این پیکره های بلند، عبور میکنم و
آنجا خوابگاه ابدیم را اختیار مینمایم. روی هر بند ساقه ها دریچه ای به سوی دست شقایق
آزادی می‌گشایم و از آنجا پیهم گستره آسمان را مینگرم، تا مگر انعکاس سرخی خون بشر
در افق ناپدید گردد و طرح دریچه های آزادی پایدار بماند و جاودان!!!

(ناهمید "غزل" غنی زاده - ۲۹ جولای ۲۰۱۰ع)